

و در ردیف سرداران بزرگ قرار دهد. هیئت وزراء، مجلس ملی جنگ را برای حفظ منافع مملکتی لازم دیده اند دقیقتر شوند با دقت بنگرید تمام افرادیکه این هنگامه را پیا کرده اند هر يك خیالی میکنند هر يك مقصودی در نظر گرفته اند چندی میکنند خیال صلاح همان دماغهای جنگجو را بخود مشغول می سازد صلاح يك كلمه مقدس می شود سر بازها بر می گردند اسرا بوطن خود عودت می کنند مقصود چه می شود؟ برای چه جنگ شروع شد چرا خاتمه یافت معلوم نیست؟ فقط آنچه ما خبر داریم یکدسته خیالات بدماغها مسلط شد عده زیادی را وادار کرد که همسویگر را بکشند پس از آن هم یکدسته دیگر از خیالات بساط جنگ را برچید ولی اصل مقصد چیست؟ محرك سلسله کیست؟ اینهمه يك کار و يك رشته بوده و حتماً از آنها یکم مقصود در نظر است اینهمه مقاصد آلت اجرای مقصود چه کسی هستند؟

نمیدانم؟ هر کس هم مثل من و از جنس من باشد نخواهد دانست قلم مرا همان قوه حرکت میدهد فکر من احساسات من از آن قوه بوجود آمده و در اینطرف اراده او واقع شده من در سر راه اجرای مقاصد کارکن ایستاده، مطیع مأمورین قوی و پرزور او هستم!

آیا ممکنست غیر از این باشد؟!

موسی تری همدان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظری با اوضاع نامطلوب دانشمندان و هنرمندان و نویسندگان ایران

مطالعه در عوامل بهبود اوضاع تمدن ملل راقیه ما را بدین نکته متوجه ساخت، تا زمانیکه موجبات تشویق و تقویت ارباب دانش و خرد و هنر فراهم نباشد آن طوریکه شایست و بایست امید برونق تمدن و بالمآل تقویت نیروی مادی و معنوی و ترویج علوم و صنایع هر قوم در بین نخواهد بود. چنانکه وضع زندگانی و وسائل کار و حتی طرز معیشت این دسته از مردم که روح جامعه را تشکیل میدهند مورد توجه مصادر امور و سرپرستان هر جامعه قرار نگیرد دیری نمیکند که یکنی بغداد

از دیگری در بین کار فلج گردیده، دیر یا زود زندگانی مطالعاتی و تحقیقی را ترك و مانند سایر مردم ساعات و دقائق عمر را بیهوده و بیهوده صرف خواهند گذرانید.

البته هر ملت باید بتناسبت بنیه مادی خود از ارباب خرد و هنر پشتیبانی کند. بعبارة اخری اگر ملتی از لحاظ ثروت و جنبه مالی رتبه اول را جانش باشد، باید بهمان نسبت وسائل کار و زندگی دانشمندان و نویسندگان و هنرمندان خود را بیشتر فراهم سازد. و اگر جنبه مالی اش متوسط است در حدود امکان از انجام این مقصود مهم سر باز نزند. تا روز بروز بر تعداد اینگونه مردمان افزوده شود.

وقتی که وسایل زندگی و کار هر نویسنده و دانشمند و هنرمند فراهم باشد، جای تردید باقی نماند که دیگران هم تشویق شده و اگر چه قسمتی از عمر را بعیش و نوش گذرانیده باشند، با اینحال پیروی هوی و هوس را ترك گفته بمطالعاتی در رشته خود میپردازند.

وتأسفاینجاست که وسائل کار و معیشت اکثر از ارباب دانش و هنر لنگ است. و بویژه در ممالک درجه سوم بیچوجه باین امر بزرگ توجهی نمیشود و با اینکه مصادر امور عواقب وخیم این بی اعتنائی و حتی عکس العملش را بچشم مشاهده میکنند با اینحال متنبه نشده اوضاع کشورشان را به بدترین روز سیاه میاندازند، و از همه بدتر در بعضی از کشورها گذشته از اینکه وسائل کار و رفاه حال دسته سابق الذکر را همیا نمیسازند، موجبات دلسردی آنان را نیز فراهم میگردانند. این است که در چنین کشوری استعدادها کشته شده، قریحه ها بیفایده مانده، ابداع و ابتکار و اختراع و اکتشاف از بین آنها رخت بر بسته، و چنین قومی همیشه بدیگران نیازمند بوده و هیچوقت نمیتوانند افتخارات علمی و ادبی و صنعتی برای خود ایجاد گردانند. لازم بتوضیح نیست که در ممالک متمدنه درجه اول همینکه در فردی از افراد استعداد مخصوصی را تشخیص بدهند فوراً و بدون مسامحه وسائل کارش را فراهم ساخته، در اندک زمانی از جنبه ابداعی او استفاده ها میبرند چنانکه در احوالات توماس الوادیسن مخترع نامی امریکائی نوشته اند که این شخص ابتدا بکار روزنامه اشتغال داشت اما از آنجائیکه بصنعت علاقه مخصوصی نشان میداد، و چندین اختراع کوچک کرده

بود دولت امریکا و کمپانیهای مهم در مقام قدر شناسی بر آمدند و کارخانه بزرگی را تحت نظر وی قرار دادند، و از استعداد او چنان بهره مند شدند که يك قسمت از تقویت بنیه مادیشان مرهون زحمات طاقت فرسای ادیسن گردید، بر اثر اختراعات و اکتشافات همین دانشمند عظیم الشان بود که عصر الکتریسیته بوجود آمد، و جهانی را در پرتو انوار خود گرفت. گویند اختراع ادیسن از هزار و دوست فقره متجاوز و اهم آنها تلگراف دو بلبکس و فونوگراف و لامپ الکتریکی و لکوموتیو برقی میباشد، که همگی در پیشرفت علوم و صنایع تأثیری بسزا دارد

همچنین در کشورهای فرانسه و آلمان و انگلستان با اینکه تا دو قرن پیش باین امر مهم چندان توجهی نمیشد، و اختراعات امثال دنی باپن فرانسوی در مورد دیک بخار کشتی بخار بهدر رفت بطوریکه پس از آنکه کشتی بخاریکه بقیمت تمام اثاثیه و اموال منقول و غیر منقول او تمام شده بود بوسیله حاسدان و رشک بران در رودخانه سن درهم شکسته شد. این مرد بزرگ از غصه جان داد، و دنباله اختراعات او قطع گردید.

گرچه علماء انگلستان از جمله جیمز وات و استیونسون با اختراع چرخ بخار و لکوموتیو بخار موفق شدند و حقاً این دو نفر در مورد دو اختراع خود مدیون دنی باپن میباشند. اما باید گفت که اگر وسایل کار و تشویق دنی باپن سابق الذکر از طرف دولت فرانسه یا کمپانیهای فرانسوی فراهم میشد، و یا لا اقل کشتی بخار او را نمیشکستند، هر آینه ممکن بود با اختراعات بیشتری دست زند و شاهد کامیابی در آغوش کشد.

باری همه اینها نتیجه عدم تشویق و بی توجهی باحوال توده هنرمند و دانشمند میباشد. والا هر گاه تشویقی در کار باشد ممکن است يك مخترع صدها اختراع کند که در پیشرفت تمدن بشری مؤثر واقع گردد.

متأسفانه در جامعه ما گذشته از اینکه وسائل کار و ترفیه حال دانشمندان و هنرمندان و نویسندگان فراهم نیست. غالباً بقدری تحت فشار قرار میگیرند، که ناگزیر بطور موقت

یا همیشه زندگی مطالعاتی خویش را ترك میگویند. و اگر هم عده‌ای از آنان در مقابل نامالییات مبارزه کنند، و با نبودن وسائل کار و آسایش خاطر بکار خود ادامه دهند، بدیهی است در مقابل توده بی‌سوادی که اکثر مردم این کشور را تشکیل میدهند ناچیز خواهد بود و اینک میبینیم نتیجه این شده باوجود اینکه قریب یکصد سال است روابط فرهنگی بین ایران و اروپا برقرار گردیده و سالیان دراز از خوان نعمت علوم و صنایع آنان بهره‌مند شده‌ایم هنوز يك نفر مخترع یا مکتشف میرزدرین ما ظهور نکرده که در برابر افراد مشا به برجسته سایر ملل عرض اندام کند. از طرفی باید گفت که اغلب از دانشجویان که برای عنوان علمی یا ادبی یافنی دانشکده‌ئی رایایان میرسانند و فارغ التحصیل میشوند دیده شده بعد از فراغ از تحصیل دیگر بفرآدمه مطالعه در رشته تخصصی خود بر نمیآیند، و یکجا کتاب و رساله را ترك و بزنگی خشک امروزی میردازند. فقط معدودی درین آنها وجود دارند که باعشق و علاقه درس خوانده و میکوشند تا برای میهنشان وجودی سودمند شوند. و لهذا پس از خاتمه تحصیل بمطالعه میردازند، و خوان نعمت غلم را ترمین میکنند. البته در مورد دانشجویانیکه بکلی مطالعه را ترك میگویند باید گفت که قسمتی از آنها هم حق دارند چه همانطوریکه قبلاً گفتیم وسائل کار با آنها داده نمیشود و برای تحصیل لقمه نانی باید شب و روز مرارت بینند و رنجها برند. از طرفی هر گاه با بعضی از دانشمندان و هنرمندان و نویسندگان ایران مرآوده نمایید خواهید دید که غذای روزانه و لباس و حتی مسکن و مأرای مرتبی ندارند. و روزگاری بس برنج و مشقت میگذرانند. و عزت نفس و شرافت طبع هم مانع آن است که بارباب تمکن مراجعه و طلب همراهی نمایند. و واقعاً در مورد چند نفری که نگارنده از نزدیک با آنها هم نشین است مشاهده کرده‌ام که سفره آنان را بیش از غذای ساده تشکیل نمیدهد. و آنقدر متمکن نیستند که لباس نوینی برای خود یا اطفال و خانواده خویش تهیه نمایند. در حالیکه مردم نادان در کاخهای مرتفع با بهترین مهر و پیرایان پیروش و سفره‌های رنگین زندگانی تجملی را ادامه میدهند.

و ابدا از وضع رقت بار زندگی این دسته از مردم که در عین اینکه روح جامعه

را تشکیل میدهند و شایسته همه گونه توجه و احترام میباشد اطلاعی ندارند و بالفرض که اطلاع یابند اهمیتی نمیدهند. آری در جامعه‌ای که کمتر کسی بفکر ترقی و تعالی میباشد باید حال دانشمندان بدین منوال باشد که حتی وجود آنها را بهیچ انگارند !!

در دوران گذشته ایران برعکس امروز وسائل کار و تشویق ارباب دانش و ادب و هنر فراهم بوده و بالتبقیه آنهمه مردان بزرگ، از ستارگان قدراول آسمان دانش گیتی بشمارند بوجود آمده و در اینمورد نوشته‌اند که شاه عباس کبیر برای تربیت هنرمندان ایران نگارخانه‌ای تأسیس کرد که رضا عباسی دومین نقاش نامی عهد صفوی سر دسته آنها بود. و درازاه تابلویی که این نقاش ساخته بود شاه ایران در مقابل بزرگان دربار بوسه می بردستش نهاد و هزار سکه طلا بوی ارزانی داشت. و نیز در دربار خوارزمشاه و سلطان محمود غزنوی از تهیه وسائل کار و تقویت این دسته از مردم بهیچوجه فروگذار نمیشد و همین امر بود که آنهمه شعراء و ادباء و ریاضیون امثال فردوسی - عنصری - عسجدی - منوچهری - ابوریحان بیرونی را بوجود آورده

در ایران باستان بویژه در عهد ساسانیان هم علما و ادبا و نویسندگان منزلتی بسزا داشته‌اند و البته خوانندگان محترم کمابیش وضع رفتار انوشیروان دادگر را با فلاسفه و اطباء که بر اثر تعطیل شدن مدرسه فلسفه آن در سال ۵۲۹ بدربار ایران پناهنده شده بودند میدانید. و نیز سلوک او را بر بزویه بز شک درباری و هنرچمین کتب و دانشمندان آن عصر مستحضر میشاید. نمیدانیم چه شده که سرپرستان جامعه ما با اینهمه احتیاجی که امروز بوجود دانشمندان و هنرمندان نویسنده دارند کمترین تقدیمی از احوال آنان ننمایند و وسائل کار و رفاه حال آنانرا فراهم نمیسازند. گویا اصولاً خود را از وجود این طبقه بی نیاز میدانند و حال آنکه وجود آنان در پیشرفت امور جامعه از هر لحاظی که باندیشه راه یابد دخیل و مؤثر است. علی ایحال بیش از این در تشریح مقال بحث ننماییم و ارباب فهم و تشخیص را در این مورد بخصوص بقضایوت عقلی خودشان واگذار میکنیم چه بزرگان گفته‌اند در خانه اگر کس است يك حرف پس است. (بقیه دارد)